

## عنوان مقاله:

جایگاه سنت گرایی در آموزش نگارگری سنتی ایران

## محل انتشار:

هفدهمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

## نویسندگان:

ملیحه رضائی - کارشناس ارشد ارتباط تصویری، دبیر هنر متوسطه اول، رتبه ۳ وزارت آموزش و پرورش

گلنار کشاورز - دکتری پژوهش هنر، استادیار گروه ارتباط تصویری، موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری

## خلاصه مقاله:

در طول تاریخ هنرهای تصویری ایران میتوان گرایش هنرمندان ایرانی در عمل به سنتی کهن برایترسیم نقوش بصورتی ازلی، بیزمان و بیمکان را تشخیص داد که آن را عالم مثال نامیده اند. این درحالیست که عالم مثال، عالمی فلسفی و یا عرفانی است و بنابراین دیدن آن برای همگان ممکن نیست. با اینحال کلیتی بصری منتسب به ویژگی های بصری اما غیرمادی مثال، در طول تاریخ در آن ثابت باقی مانده است. این کلیت بصری تا زمانی که آموزش نگارگری به شیوه سنتی از استاد به شاگرد روی میداده تداوم داشته است. پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که باتوجه به مفهوم مثالی، وضعیت آموزشنگارگری در دوران اسلامی چگونه بوده که اصول کلی تصویری منتسب به عالم مثال دستخوش تغییر نبوده و اساسا مفهومی فلسفی و یا عرفانی که برای همگان قابل دسترس نبوده، چگونه در طی قرون و اعصار بدون تغییر ماحوی استمرار داشته است؟ پژوهش حاضر تلاش دارد تا با نگاهی کیفی و شیوهتحقیق توصیفی تحلیلی، به پرسش های فوق پاسخ دهد. با توجه به رابطه هنرمند با اثر هنری و نیز با مخاطبان در ساحت هنر سنتی، هنرمند اثری تولید می کند که متعلق به فرهنگی مشخص است و از این رو مخاطبانش آن را درک می کنند. صورت های خیالی نیزابداع هنرمندان و با قوه خیال و به صورتی نمادین بیانگر امر زیباشناخت هستند و از آنجا که با فرهنگبصری مخاطب در ارتباطاند، درک می شوند. این امر از طریق نظام آموزش استاد شاگردی و لزوم تبعیت بی چون و چرا از استاد، حتی بدون آگاهی از مفهوم خیالی مثال تداوم یافته است. در بسیاری مواردشاگردان نیز در مسیر مشقکردن، به مقام سلوک واردشده و به درک بهتری از مفهوم این عالمدست پیدا کرده است.

## کلمات کلیدی:

هنر سنتی، نگارگری، سنت، تفکر مثالی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1915003>

